

دکتر خاتمی:

آنچه از نظرتان می‌گذرد، بررسی و گزارش اجمالی است از
برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت حکیم توس، فردوسی که از اول تا
پنجم دیماه ۱۳۶۹ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران
برگزار شد

□ محمد غلام

شاهنامه

تجلی دادخواهی و مبارزه با جهل است

صبح شنبه اول دی‌ماه سال ۱۳۶۹، کنگره
بزرگداشت دانای توس، حکیم ابوالقاسم
فردوسی، در تهران با سخنران رئیس‌جمهور و
ریاست عالی شورای انقلاب فرهنگی
(حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی) گشایش
یافت.

مراسم افتتاح کنگره که به زیور وجود
قریب به چهارصد تن از شخصیت‌های علمی
— ادبی داخلی و خارجی آراسته بود با سخنان
دکتر رحیمیان، دکتر معین، فدریکو مایور
دبیرکل سازمان جهانی یونسکو و... ادامه یافت
و بالاخره با سخنرانی حجة الاسلام خاتمی و
پیام فرهنگستان زبان و ادب فارسی که توسط
دکتر غلامعلی حداد عادل قرائت شد به پایان
رسید. سپس بعد از ظهر همان روز،
شرکت‌کنندگان جهت ادای احترام در مرقد
امام حضور یافتند و دسته‌گلی که به همین
مناسبت فراهم شده بود توسط میهمانان کنگره
بر مزار آن عزیز نثار گردید.

در این کنگره که بنا به پیشنهاد جمهوری
اسلامی ایران و با موافقت و مساعدت سازمان
جهانی یونسکو و زیر نظر دانشگاه تهران
برگزار گردید تعداد کثیری از اساتید
دانشگاههای داخل کشور و حدود ۶۳ تن از

● مثنوی و شاهنامه، دو پایه‌ی اساسی فرهنگ ایرانی هستند.

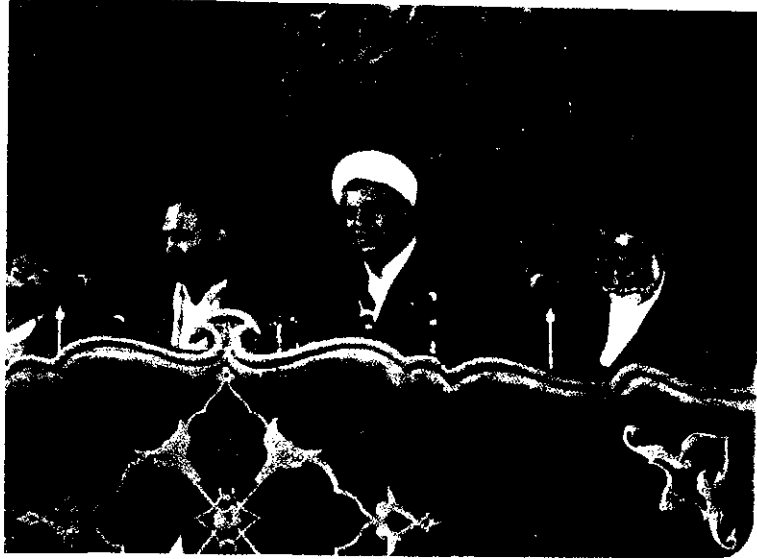
دکتر احمد مهدوی دامغانی:

● فردوسی در مصالح این کساخ بلند از بیشتر علوم
اسلامی بهره گرفته و با یک خزانه عظیمی از این علوم به کار
نظم پرداخته است.

دکتر قدمعلی سرامی:

● هدف اصلی شاهنامه نمایش تضادهای جهان است
شاهنامه، جهان را بصورت شطرنج به ما نشان می‌دهد.





دیران آموزش و پرورش و میهمانان خارجی از هیجده کشور جهان «هند، فرانسه، قطر، چین، انگلستان، سنگلادش، بلغارستان، سوریه، ژاپن، مصر، رومانی، ایتالیا، پاکستان، شوروی، آمریکا، افغانستان، ترکیه و اردن» شرکت داشتند.

این بار نیز پس از سالیان طولانی، عاشقان فرهنگ و آیین این مرزوبوم از سراسر گیتی گرد آمده‌اند تا با فردوسی و آرمانهایش پیمان بندند که هرگز فریب تزویر کاووس، دژخیمی ضحاک، شقاوت شغاد و دیوان بدکردار را نخورند.

گرد آمده‌اند تا یاد و نام این جهانی شاعر حماسه‌سرا را برای همیشه در خاطره فرزندان این آب‌و خاک ثبت کنند و آوازه جاودانگی این کاخ بلند را به گوش جهان و جهانیان برسانند. گرد آمده‌اند تا بگویند که فردوسی شاهنامه را نه برای صله محمود، که برای بقای اصالت و نژادگی ایران و ایرانی و نیز برای پیوند دو مذهب سروده است. گرد آمده‌اند تا بگویند که شاهنامه نه «نامه شاهان» که «نامه آرزوهای یک ملت» و فردوسی نه یک شاعر که «پاسخگوی یک نیاز ملی» است.

گرد آمده‌اند تا بگویند که حماسه‌سرایی تنها ترسیم صحنه‌های رزم و زور آزمایی و بال‌وکوبال پهلوانان نیست بلکه «نشان وجود احساس آزادگی در بین انسانها» است. و گرد آمده‌اند تا بگویند که «فردوسی مظهر پنداری است که ما از یک شاعر آرمانی در ذهن داریم، زیرا هم به ما می‌آموزد که انسان چیست و هم اینکه انسان چه باید بشود.»

برنامه‌های جنبی کنگره

علاوه بر سخنرانی‌هایی که در دو نوبت صبح و عصر و در سه شعبه به موازات هم ایراد می‌شد برنامه‌هایی نیز تدارک شده بود که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌کنیم:

— برپایی نمایشگاه کتاب، عکس، نقاشی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

— افتتاح نمایشگاه خط، نقاشی، کتب خطی قدیم، ظروف باستانی و عتیقه در مسوژه رضا عباسی که مسویرد سازدید شرکت کنندگان قرار گرفت.

— اجرای موسیقی مقامی و سنتی در تالار فردوسی

— اجرای مراسم شعرخوانی و نقالی سنتی قهوه‌خانه‌ای

— پیش‌بینی سفر یک‌روزه شرکت کنندگان به شهر توس زادگاه حکیم فردوسی که البته به علت نامناسب بودن هوا انجام نگرفت.

— بازدید از بازار تهران و خرید کتاب توسط شرکت کنندگان خارجی

— انتشار ویژه‌نامه فرهنگی - هنری 'فردوس' تا ۶ شماره

— اهدای مجله رشد ادب فارسی به شرکت کنندگان در روز اختتام کنگره

توسط کارشناسان گروه ادب فارسی.

— بازدید از موزه‌های فرش و ایران باستان، همچنین تالار مس قانع واقع در قزوین.

حالا این سؤال که کنگره تا چه حد توانسته به هدف اصلی که همانا «شناخت واقعی فردوسی و شاهنامه» است دست یابد؟ یا اینکه اصولاً هیچ توفیقی داشته است یا نه. پاسخی را می‌طلبید که باید از متن سخنرانی‌ها جویا شویم. ما برای بهره‌گیری بیشتر بخش‌هایی را انتخاب نموده‌ایم. ملاک ما، در این انتخاب آن‌گونه پژوهش‌هایی است که تا حدی از میزان علمی بهره‌ور بوده، گره‌گشای مشکلات ادبی باشند.

«فرازهایی از نظریه شرکت کنندگان درباره حکیم توس و شاهنامه»

آقای فدریکومایور دبیرکل سازمان جهانی یونسکو:

خردی که فردوسی به توصیف آن پرداخته، تنها به معنای قوه ادراک نیست بلکه قابلیت شناخت نیکی‌هاست. حکمتی ژرف و به‌ناور است. آرامش و طمأنینه است که از درون برمی‌خیزد و زاده تسلط بر نفس است.

پیام اصلی فردوسی، حرمت و احترام به دیگران به رغم اختلافات مذهبی، قومی و اجتماعی و... است.



قهرمان با صفات عالی انسانی است.
 نمونه‌ای از جنبه‌های اشتراک را ملاحظه
 می‌فرمایید آنجا که
 فردوسی می‌گوید:
 پسی افکندم از نظم گساختی بلند
 که از باد و باران نیاید گزند
 همین مفهوم را «والمیکي» با این الفاظ
 می‌آورد که:
 «تا وقتیکه دریاها و آب در این جهان
 وجود دارد این نامه محفوظ خواهد ماند.»

پروفسور فضل الله رضا «از ایران»:
 من معتقدم که شاهنامه و مثنوی را می‌توان
 به عنوان دو پایه اساسی فرهنگ ایران دانست
 و همچنین شاهنامه را می‌توان به عنوان
 «خلاصه‌ای از دایرةالمعارف فرهنگ قوم
 ایرانی» معرفی نمود.

از آنجا که در کار هنری، عقل چندان
 دخالتی ندارد، هر کس می‌تواند بنا به ذوق خود
 نسبت به هنرمند سخن بگوید. از این روست که
 عده‌ای فردوسی را به خاطر حسن وطن‌پرستی
 می‌ستایند.

دکتر ضیاءالدین سجادی:

وی در مورد «قضا و قدر در شاهنامه»
 می‌گوید: در تراژدی قهرمان داستان معمولاً
 تابع سرنوشت خویش است و این سرنوشت او
 را به جایی می‌رساند که باید در نهایت یکی از
 دو راه را انتخاب کند. رستم باید بالاخره
 پسرش را شناسد. به خاطر وقوع تراژدی
 هجیر، شناسی چادر رستم را به سهراب
 نمی‌دهد.

نوشته به‌سر بر دگرگونه بود
 زمانه نکاهد نه هرگز فرود
 قضا چون ز گردون فرو هشت بر
 همه زیرکان کور گردند و گر
 یا جای دیگر در بزم دوم انوشیروان آنجا که
 بحث از حکمت است فردوسی چنین می‌گوید:

شگفتی‌های جهان اسطوره است.
 فردوسی به زبان اسطوره حماسه‌سرای
 انسان حق‌جو و جمال‌خواه و عدالت‌طلب
 است.

تسو این را دروغ و فسانه میدان
 به‌یک سان روش در زمانه میدان
 از او هرچه اندر خورد یا خورد
 دگر بر ره رمز معنی برد

انسان فردوسی، صاحب خرد است و خرد
 در تعبیر فردوسی همان است که در اسلام به
 عنوان اولین و برترین آفریده خدا مورد
 ستایش قرار گرفته است:

نخست آفرینش خرد را شناس
 نگهبان جان است و آن سپاس
 خرد را و جان را که پیارد ستود
 وگر من ستایم که یسارد شنود...

آظهر دهلوی از هند:

«مقایسه راماین با شاهنامه»

دو اثر حماسی «راماین اثر والمیکي»
 از هند و «شاهنامه فردوسی» از ایران، دارای
 جنبه‌های اشتراک بسیاری می‌باشند به‌طوری
 که می‌توان گفت هدف هر دو کتاب نمودن دو

دکتر غاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد
 اسلامی:

فردوسی آموزگار سخن است و بدون
 شک، شعر فاخر و ادب پارسی به برکت
 حکمت و هنر این شاعر فرزانه به یکی از
 قله‌های عظمت و ماندگاری می‌رسد. فردوسی
 چندان بزرگ است که توانسته است با زیر
 بارسی همه حوزه‌های نظر و عمل بشر را
 بی‌تکلف و تعقید به زبان شعر بیان کند.

فردوسی ایرانی است اما ایرانی مسلمان و
 عظمت شخصیت فردوسی در بهره‌ای است که
 از حکمت و جهان‌بینی و عرفان و ادب اسلامی
 دارد و اگر ایران را می‌خواهد می‌ستایند،
 ایران را چنان می‌خواهد که اسلام خواسته
 است.

اگر نامها را از بسیاری از قهرمانان
 محبوب شاهنامه برداریم، چهره‌های درخشانی
 را می‌بینیم که جانشان تجلی توحید،
 دادخواهی، عفت، شجاعت و مبارزه با جهل و
 جور است و مگر اسلام انسانها را چنین
 نمی‌خواهد؟

شاهنامه تاریخ نیست بلکه فردوسی با زبان
 اسطوره در این کتاب سخن می‌گوید و شناخت
 درست شاهنامه و فردوسی در گرو شناخت

حکیمان دانسته و هوشمند
 نشستند نزدیک تخت بلند...
 از ایشان یکی بود فرزانه‌تر
 پیرسید از او از قضا و قدر
 که آغاز و فرجام جوین سخن
 چگونه است و این را که افکند بن
 چنین داد پاسخ که جوینده مرد
 جوان و شب و روز در کار کرد
 بود راه روزی برو تار و تنگ
 بجوی اندرون آب او باد رنگ
 یکی بی هنر خفته بر تخت بخت
 همی گل فشانند برو بر درخت
 چنین است رسم قضا و قدر
 ز بخشش نیایی به کوشش گنر...
 خرد و نفس دو مقوله‌ای است که در عقاید
 اسماعیلیه مطرح است (خرد فعال است و نفس
 منفعل) فردوسی نیز در شاهنامه خود از این دو
 مقوله متأثر بوده است البته نمی‌خواهیم بگوییم
 فردوسی اسماعیلی مذهب است ولی
 تأثیرپذیری وی را نیز نمی‌توان انکار کرد.

دکتر کمال الدین عینی:

شاهنامه کتابی است دقیقاً علیه ظلم و جور
 سلطان محمود و اعتراضی است بر کشتارهایی
 که وی از میان دانشمندان نموده است.
 این کتاب دائماً در طول تاریخ تا به امروز در
 مدار مبارزات سیاسی بوده است و هر حکومتی
 به نفع خود از آن سوء استفاده کرده است.

دکتر محمد استعلامی:

«زمینه‌های اجتماعی پدید آمدن
 شاهنامه»

شاهنامه یا اسطوره‌های کهن، هیچ کدام
 نامه شاهان نیستند بلکه نامه‌آرزوهای یک
 جامعه است و اگر شاهی در تاریخ یاد کرده
 می‌شود و نامش می‌ماند، همانی است که ملت
 را نجات داده است.

در یک اثر حماسی، قهرمانان معمولاً جلوه

دهنده قدرت و خصلتهای یک مسلتند، البته
 قهرمان واقعی با قهرمان حماسی از زمین تا
 آسمان تفاوت دارد.

وی افزود که اکثر نویسندگان تذکره‌ها در
 باب شعرا و نویسندگان با به‌خطا رفته‌اند و یا
 اینکه به‌عمد طریق مبالغه پیموده‌اند مثلاً چهار
 مقاله عروضی علت سرایش شاهنامه را نیاز
 فردوسی به‌بول برای فراهم نمودن جهیزه
 دخترش می‌داند که البته نمی‌تواند صحیح
 باشد.

هافری دو فوشه کور

از فرانسه «هنر، نژاد، گوهر در شاهنامه»
 هنر بر نژاد است و بر گوهر است
 سه چیز است و هر سه به‌سنگ اندرست
 در شاهنامه انحراف تبارشاهی باعث فساد
 اخلاقی مردم است.

کسری انوشیروان بنیانگذار عظمت است،
 آن عظمتی که بر چهار اصل استوار است ۱-
 انتقامجویی ۲- طلب تخمه نیک ۳- احساس
 پادشاهی ۴- عدالت خواهی

دکتر قدمعلی سرآمی:

«سمبولیسم در شاهنامه»

هدف اصلی شاهنامه نمایش تضادهای
 جهان است. شاهنامه جهان را شبیه شطرنجی

به‌ما نشان می‌دهد که جهان آفرین ترتیب داده
 است؛ دو نیروی سیاه و سفید جهان را اداره می‌کند.
 یکی از تضادها، تضاد خرد و ضدخرد است
 تضاد تورال و ناتورال و بالاخره تضاد رشال و
 سوررشال است. البته فردوسی خود متوجه
 تضادهای موجود در اثر خود هست.
 فردوسی از دست ترکان و آنهم ترکانی که
 زیر سلطه تازیان باشند می‌نالند. فردوسی خود
 خردگراست بقدری که می‌توان گفت خردبارة
 است.

عناصر نمادی در شاهنامه بسیار زیادند؛ از
 قهرمانان گرفته تا موجودات دیگر. جماع
 جهان‌بین، کیخسرو، بیژن، چاه، رستم، پهلوی
 مادر، خنجر آبگون و...
 در شاهنامه همه چیز سخن می‌گوید. خون
 سیاوش می‌ریزد خونی که می‌ریزد می‌جوشند و
 آخر بارور می‌شود.

جوانی در مه از ایتالیا

«نسب مادری پهلوانان شاهنامه»

هر حماسه ملی به‌طرفین نیک و بد احتیاج
 دارد که در شاهنامه یکی انسان و دیگری دیو
 است. جمشید شخصیت بارز «انسانی» در
 زمان پیشدادی است که بر دیوان غالب می‌شود
 و علوم و فنونی نظیر ساختمان سازی و طب را
 از آنها فرا می‌گیرد.



روش معمول زاده شدن پادشاهان ایران از جفتی است که از طرف پدر، ایرانی و خوب و از طرف مادر، تورانی و بد می‌باشد. رودابه، مادر رستم از نسل ضحاک است ولی زال، پدر رستم از پشت سام نریمان است و توسط سیمرغ پرورش می‌یابد.

دکتر احمد مهدوی دامغانی

«تجلیات قرآن و احادیث در شاهنامه»

فردوسی در مصالح این کاخ بلند از بیشتر علوم اسلامی بهره گرفته و بسایک خزانة عظیمی این علوم به کارنظم شاهنامه برداشته است. شیعه بودن فردوسی به هیچ عنوان نمی‌تواند محل تردید واقع شود. کاربرد لفظ «وصی» که از اصطلاحات خاص شیعه بوده است و فرقی دیگر به جای آن از «ولی» استفاده کرده‌اند دلیل بر اثبات این سخن است. فردوسی شیعه امامی بوده است نه شیعه زیدی و نه چیز دیگر.

دکتر ذبیح الله صفا:

«نظری به‌مآخذ شاهنامه و دیگر حماسه‌ها»

شاهنامه گنجینه‌ای از معتقدات ملت ایران است. این کتاب توانسته است دو مذهب را بهم مرتبط سازد. به‌علاوه یک اثر مقبول ملی است که تاریخ ملت را به‌زبان داستان بیان

نموده است.

«خورتای نامک» یا «سیرالملوک» از جمله کتب مهمی است که در ارتباط با ساسانیان نوشته شده است. البته متن بهلوی «خدای نامه» که توسط عدّه‌ای به‌زبان عربی برگردانده شده بود از بین رفته است. ارویان شاهنامه را اغلب از دهقانی می‌دانند که از طبقه معروف اشراف ارضی بوده‌اند.

یکی از ارویان معروفی که فردوسی در چند جای از شاهنامه، نام وی را ذکر نموده «آزادسرو» است. وی از مردم سیستان بود و ادعای هم نژادی با سام نریمان داشت. در پایان به‌منظور تشبیه مسابانی روابط فرهنگی کشورها و مناطق فارسی زبان و بسط و گسترش فعالیت‌های علمی در سراسر جهان «انجمن بین‌المللی استادان زبان و ادب فارسی» تشکیل گردید.

قرائت بیانیه کنگره که بندهایی از آن را برای شما عزیزان در اینجا می‌آوریم پایان بخش مراسم بود.

در بخش‌هایی از این قطعنامه پس از درود به‌روان پاک رهبر کبیر انقلاب و سپاسگزاری از رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به‌خاطر توجهات خاصی که نسبت به ادبیات کشور مبذول داشته‌اند چنین آمده است.

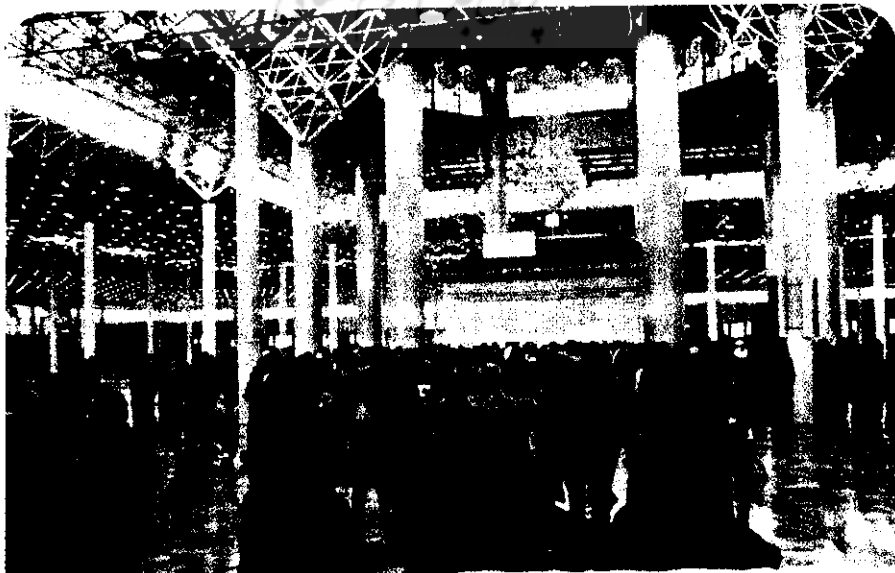
چون متن جامعی که حاوی تمام نظرهای انتقادی باشد تاکنون به‌چاپ نرسیده است

پیشنهاد می‌شود بنیادی تشکیل شود و با گردآوری همه نسخه‌های کهن شاهنامه و چاپ‌های مختلف آن و نقدهای نوشته شده متنی از شاهنامه فراهم آید که از هر حیث مورد قبول شاهنامه شناسان جهان باشد همچنین در این بنیاد مطالعات و تحقیقاتی درباره جنبه‌های مختلف شاهنامه و شخصیت فردوسی انجام گیرد.

توصیه می‌شود هر سال جایزه‌ای به‌نام «جایزه فردوسی» برقرار شود و به‌کسانی که بهترین تحقیقات را درباره فردوسی و شاهنامه انجام می‌دهند و حاصل فعالیت‌های خود را به‌صورت مقاله یا کتاب یا فیلم و جز آن عرضه می‌دارند اختصاص یابد.

«والسلام»

- ۱ - بخشی از مقاله دکتر محمد استعلامی
- ۲ - بخشی از مقاله اختر شاملو
- ۳ - بخشی از مقاله دکتر مارتاسیمید چپوا از بلغارستان
- ۴ - بخشی از مقاله فدريكو مایور دیرکل سازمان جهانی یونسکو
- ۵ - لازم به‌تذکر است که دکتر ذبیح الله صفا به‌علت مساعد نبودن وضعیت جسمانی در کنگره حضور نداشتند و مقاله ایشان توسط آقای دکتر محمد ترابی قرائت شد.



مراسم بزرگداشت دکتر یوسفی در اسفراین

روز دوشنبه ۶۹/۹/۱۹ مجلس بزرگداشت مقام علمی - اخلاقی مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی، از سوی دبیران ادبیات و گروههای آموزشی مقاطع راهنمایی متوسطه اسفراین در محل اداره آموزش و پرورش این شهرستان برگزار شد.

در این مراسم که با حضور دبیران منطقه تشکیل شده بود ابتدا آقای حسین یوسفی دبیر ادبیات و دانشجوی مرحوم دکتر یوسفی، فهرستی از آثار ارزشمند ایشان را بر شمردند. سپس خاطراتی را که در مصاحبت با استاد در ذهنشان به یادگار مانده بود برای حاضرین بازگو نمودند.

پس از ایشان آقای احمد شاهد، محقق و نویسنده اسفراینی، با توجه به نیاز جامعه فرهنگی به آثار استاد فقید، مسئولین امور فرهنگی را به انتشار هر چه سریعتر این آثار گرانقدر فراخواند.

در پایان آقای محمد عزیزی نویسنده کتب کودکان و نوجوانان با تاکید بر اهمیت عمر علمی انسان گفت: پژوهشهای علمی استاد فقید را می توان یکی از سرمایه های عظیم فرهنگ و ادب این مرز و بوم دانست. ما باید این قبیل افراد را الگوی خود در زندگی قرار دهیم. وی همچنین گفت: بزرگان و هنرمندان تاریخ تولد دارند ولی هیچ گاه تاریخ مرگ ندارند چرا که یاد این عزیزان مادام در ذهن و اندیشه ما زنده و جاوید است پس از هر کسی زنده ترند.

پایان بخش این مراسم قرائت قطعه شعری بود که توسط غلامرضا اسفراینی در رثای استاد فقید سروده شده بود.

□ سید سعیدالدین حسینی دبیر دبیرستانهای شیراز

حکیم ای ابوالقاسم پاک دین زشهنامه فردوس کردی زمین تو فرمانروایی به ملک سخن نگردد به گیتی مقامت کهن زدر دری رشته ای ساختی وز آن رشته شهنامه پسر داختی مهیا نمودی زسی و دو حرف سلاح و سپاه و بل و خوان و ظرف چو تازی به اسب خرد روز جنگ کنی عرصه بر عاقل و عقل تنگ در عهدیکه شاهان خدایان بُدند همه شاعران شه ستیان بُدند به دادار بی چون تو بردی پناه نه بر شاه و پسر تخت و تاج و کلاه ستودی نبی و گزیدی ولی تو ای پیر شاه مردان علی تو شمع خرد را برافروختی جهان زنده کردی و خود سوختی تو بر سینه روزگاران نشین نشان بزرگی ایران زمین دل پاک ایرانیان گنج تو که دادند پاداش آن رنج تو تو گسر رنج بردی در آن سال سی جهان زنده کردی بدین پاریسی نه برسیم و پسر زر نمودی نظر نه بر گنج آن بنده بی هُر ز محمود تا عهد ماسیم و زر بیارند با گنجه و گهر گذارند در کفه آن زر و سیم دگر کفه شهنامه ای حکیم بچربد همان کفه نامهات زهی، آفرین بر تو و خامهات

□ محمد هادی گلستانی

سراغاز با نام پروردگار که هستی ازو یافت نقش و نگار... چه ایام پرشور و فرخنده ایست که یسار آور نام گوینده ایست چه گوینده ای، راستکار و امین به نظم سخن استوار و مبین سخندانی از گوهر آریان گشاده زبانی زایرانیان زبان دری را مهین پاسدار نخست اوستاد سخن در شمار آبر شاعری درخور و راستین بحق از درصد هزار آفرین خردمند فردوسی پاک دل که بود عنصرش برتر از آب و گل... سخن را رساند او به چرخ برین هم اندر عذوبت به ماء معین چه خوش دین و دانش بهم جفت کرد فری او که خود هر چه را گفت کرد الا ای سخن را تو آموزگار به آموزگاران هر روزگار... زهی ملتی هوشمند و سترگ به اندیشه و فکر و ایمان بزرگ... الا ای به حکمت جواهر کلام به اخلاق و ایمان و دین مستدام... بهین رای نیک نو دین باور است گواهم ز شعر در داور است سخن زین معانی چه خوش گفته ای ازین در چه گویم که در سفته ای وطن دوستی نیز آیین تست به خصم وطن نفرت و کین تست...